



## بررسی دلایل اخلاقی مخالفان شبیه‌سازی انسان

دکتر حسین اترک<sup>۱</sup>

دکتر مریم ملبخشی<sup>۲</sup>

### چکیده

شبیه‌سازی انسان یکی از موضوعات چالش برانگیز در حوزه اخلاق پزشکی است که موافقان و مخالفانی دارد. این مقاله به بررسی دلایل مخالفان شبیه‌سازی انسان و نقد آنها می‌پردازد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است. ابتدا مهم‌ترین دلایل مخالفان شبیه‌سازی انسان بیان شده و سپس تحلیل و نقادی شده است. برخی از این دلایل عبارتند از: نقض کرامت انسانی و استقلال فردی، نقض اصل اختیار و کسب رضایت آگاهانه، ایجاد مشکل نسب و تهدید بنیان خانواده، وسیله قرار گرفتن انسان و تبدیل شدن او به کالا، خطر اصلاح نژادی و غیر طبیعی بودن این فناوری و دخالت در کار خداوند. نظر مؤلف این است که دلایل عقلی مخالفان در ممنوعیت اخلاقی شبیه‌سازی مخدوش بوده و نادرستی ذاتی این فناوری نوین را اثبات نمی‌کند. بنابراین با توجه فواید زیاد این فناوری در صورت موفقیت و رفع عیوب آن، انجام تحقیقات علمی در این زمینه جایز است و شبیه‌سازی انسان به طور محدود و کنترل شده به لحاظ اخلاقی، فاقد اشکال است و نتایج سوئی ندارد.

کلید واژه‌ها: فلسفه اخلاق، شبیه‌سازی انسانی، کرامت انسانی، استقلال فردی، غایت‌مندی انسان.

<sup>۱</sup>. استادیار دانشگاه زنجان

<sup>۲</sup>. پزشک عمومی



## مقدمه

شبیه‌سازی انسان یکی از مسائل چالش برانگیز بشر امروزی است. با پیشرفت‌های فناوری زیستی و توفیقات دانشمندان در شبیه‌سازی حیوانات این مسأله مطرح شد که آیا بکارگیری این فناوری در مورد انسان و شبیه‌سازی انسانی درست است یا نه؟ حقوق‌دانان، عالمان دینی و فیلسوفان اخلاق به بررسی جواز یا ممنوعیت شبیه‌سازی انسانی از جهات مختلف حقوقی، دینی و عقلی پرداختند. این مسأله مانند هر مسأله جدید دیگر مخالفان و موافقانی دارد. در کشور ما نیز مقالات متعددی در این زمینه نوشته شده است که نوعاً در مخالفت با شبیه‌سازی انسانی بوده است. این محققان، دلایل متعددی در مخالفت با این فناوری ذکر کرده‌اند که عمدتاً بر گرفته از منابع غربی است. هدف از این مقاله، بررسی صحت و سقم آن دسته از دلایل عقلی است که فیلسوفان اخلاق در مخالفت با شبیه‌سازی انسانی ذکر کرده‌اند. نظر نگارنده این است که عمده دلایل ذکر شده، صحیح نبوده و نادرستی ذاتی شبیه‌سازی را اثبات نمی‌کنند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی پس از بیان دلایل مخالفان شبیه‌سازی انسان، آنها را به نقد کشیده است.

## تفاوت شبیه‌سازی از عین‌سازی

قبل از پرداختن به دلایل مخالفان شبیه‌سازی و نقد آنها لازم است نکته مهمی را که باعث ایجاد کژفهمی‌هایی در مسأله شبیه‌سازی انسانی شده است متذکر شویم. این کژفهمی‌ها عمدتاً متأثر از داستان‌ها، پیش‌گویی‌ها و فیلم‌های تخیلی<sup>۳</sup> ساخته شده در این موضوع است. (۱)

یکی از کژفهمی‌های مربوط به شبیه‌سازی، معادل دانستن آن با مفهوم «عین‌سازی» است. برخی تصور کرده‌اند با شبیه‌سازی می‌توان یک فرد را عیناً با تمام خصوصیات ظاهری و رفتاری‌اش ایجاد نمود. بحث‌هایی چون جاودانه زیستن، زنده نمودن افرادی چون هیتلر، انیشتین، هنرمندان مشهور سینما و غیره از این پندار نادرست شکل گرفته‌اند. (۲) این پندار نادرست از آنجا ناشی می‌شود که عده‌ای شخصیت را معادل ژن می‌دانند و خواسته یا ناخواسته قائل به جبر ژنتیکی شده‌اند. از این‌رو، چون فرد کلون شده دقیقاً همان الگوی ژنی فرد اصل (دهنده سلول) را دارد، لذا شخصیت فرد کلون شده و اصل را یکی و عین هم می‌دانند. اما حقیقت این است که ساختمان ژنی یکی از عوامل تعیین شخصیت انسانی است. رفتار آدمی صرفاً متأثر از ژن‌ها نیست بلکه فقط به نحوی از آن متأثر است. به عبارت دیگر تأثیر ژن‌ها بر رفتار آدمی به نحو اقتضاء و علیت ناقص است نه به مطلق و نحو علیت تام. (۱) آرتور کاپلان، استاد دانشگاه پنسیلوانیا در حالی که بر این باور است که استعداد ریاضی، انواع شخصیت، بیماری روانی، همجنس‌گرایی و چاقی همه ریشه‌های ژنتیکی دارند اما هشدار می‌دهد: «کار احمقانه‌ای است اگر بپنداریم که رفتار ما معادل با ژن‌ها است. آشکار شده است که حتی دو قلوهای همسان یک خانواده، رفتاری کاملاً مشابه ندارند. ژن‌ها فقط اجزای یک مخلوط هستند». (۳) عوامل محیطی یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر شخصیت انسانی است. مجموعه

<sup>۳</sup> مثلاً فیلم «سران برزیلی» نمایش‌گر تلاش نتونازیست‌ها برای کلون کردن هیتلر است که در نهایت موفق به این امر می‌شوند یا چشم‌انداز بسیار سیاه آینده توسط پیش‌گویی‌های آلدوس هاکسلی در کتاب «دنای قشنگ نو» (Brave New World) در سال ۱۹۳۲ که ششصد سال آینده را پیش‌گویی می‌کند که فجایع ناشی از جنگ، رهبران جهانی را متقاعد می‌کند تا نظم نوینی را در دنیا ایجاد کنند. انسان‌ها در این زمان، حاصل تولید انبوه کارخانه‌های عظیم جینی‌اند و شبیه‌سازی ابزاری برای ایجاد طبقه‌های مختلف انسانی است.



عواملی که از لحظه انعقاد نطفه تا پایان عمر فرد را احاطه کرده‌اند و موجبات شکل‌گیری شخصیت او از خصوصیات فیزیکی تا نوع تعامل او با دیگران و محیط را فراهم می‌سازد به عنوان عوامل محیطی محسوب می‌شوند. با این تعریف، محیط دارای متغیرهای بسیار گسترده‌ای می‌باشد. محیط اطراف هسته سلول تخم (سیتوپلاسم)، محیط زیستی، محیط خانوادگی، محیط طبیعی، محیط اجتماعی، محیط فرهنگی و غیره همگی از عوامل محیطی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت فرد محسوب می‌شوند. (۱) هیچکدام از عوامل ژنتیکی و محیطی به تنهایی در شکل‌گیری شخصیت مؤثر نیستند. بلکه از تعامل این دو، شخصیت و خصوصیات رفتاری افراد شکل می‌گیرد. لذا صحیح نیست که انتظار داشته باشیم فرد کلون و اصل چون از نظر عوامل ژنتیکی همانند هستند، پس باید شخصیت و خصوصیات رفتاری یکسانی داشته باشند. این امر حتی در بین دو قلوهای همسان یا تک تخمی که الگوی ژنی یکسانی دارند مشاهده نمی‌شود. چرا که محیط به مفهوم عام بسیار تأثیرگذار است. مطالعات نشان داده است که تطابق رنگ چشم، خطوط انگشتان، قد و وزن و دیگر خصوصیات فیزیکی در دو قلوهای همسان نیز تطابق ندارد. همچنین آزمایشات کلونینگ روشن ساخته است که خصوصیات ظاهری فرد کلون و اصل همیشه یکسان یا مشابه نیستند مثلاً گربه‌ای در سال ۲۰۰۱ شبیه سازی شد که رنگ موهایش نسبت به گربه اصل متفاوت بود. علت این عدم تطابق‌ها یکی، عوامل محیطی و دیگری عملکرد تصادفی و قابل تغییر ژن‌ها ذکر شده است. (۱)

### دلایل مخالفان شبیه‌سازی و نقد آنها

#### ۱. نقض کرامت انسانی و نگرانی از تولید انسان به عنوان کالا

اولین دلیلی که معمولاً مخالفان شبیه‌سازی در منع این فناوری ذکر می‌کنند، نقض کرامت انسانی است. کرامت به معنای عزت و شرف و معادل واژه *dignity* است که در منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، رعایت آن ضروری شمرده شده است. (۴) عزت و کرامت دو نوع است: کرامت ذاتی که مختص هر موجود انسانی است و از او جدایی‌ناپذیر است و حتی قاتلان و مجرمان از این کرامت ذاتی برخوردارند و به همین خاطر ما مسائل انسانی را در مجازات مجرمان رعایت می‌کنیم؛ و کرامت غرضی و غیر ذاتی که اکتسابی است و به واسطه فضایل و کمالات اکتسابی انسان‌ها به آنها تعلق می‌گیرد. آنچه در اینجا محل بحث است، کرامت ذاتی انسان است. به اعتقاد مخالفان، انسان شبیه‌سازی شده از همان کرامت و منزلتی که انسانهای دیگر برخوردارند، بهره‌مند نخواهد بود. بلکه با او مانند کالای تولید شده و محصول کارخانه‌ای رفتار خواهد شد و احتمال شکل‌گیری برده‌داری نوین وجود خواهد داشت که هوی و هوس پدیدآورندگان بر موجودات شبیه‌سازی شده مسلط خواهد بود. (۵) مخالفان شبیه‌سازی انسان، صرفاً مدعی تعارض شبیه‌سازی با کرامت انسانی هستند ولی به هیچ وجه، توضیح نمی‌دهند که چگونه شبیه‌سازی کرامت انسانی را نقض می‌کند. آنها فقط می‌گویند که شبیه‌سازی به سبب نقض اصل کرامت انسانی نارواست. زیرا شأن و منزلت انسان شبیه‌سازی شده را به اندازه یک «کالا» می‌کاهد که به آسانی در معرض تجاوز و نقل و انتقال قرار می‌گیرد و از منزلتی همسان دیگر انسان‌ها برخوردار نیست. در واقع، به موجود پدید آمده در اثر شبیه‌سازی به عنوان یک محصول تولیدی نگریسته می‌شود که برکنار از احساسات و عواطف انسانی به حیات خود ادامه می‌دهد و در موقع لزوم از آن بهره گرفته می‌شود. (۶)



بنابراین، مخالفان، نقض کرامت انسانی را از جهت تبدیل شدن انسان به یک کالا و نقض حقوق انسانی او (۲) می‌دانند. آنها معمولاً با تمسک به اصل «احترام به اشخاص انسانی» کانت، استفاده ابزاری و کالا گونه از انسان را خلاف شأن و کرامت انسانی می‌دانند. (۷)

این گونه نگرانی‌ها بیشتر ناشی از تولید فیلم‌های سینمایی نظیر «دنیای قشنگ نو» است که در آنها شبیه سازی انسان برای تولید طبقه کارگر یا کی‌های بسیار از ژنوم خاص برای خدمت به اهداف سودجویانه اجتماعی و فردی بدون توجه به حقوق و رفاه انسان‌های تولید شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. تصویری که این مخالفان از دنیای آینده که شبیه سازی در آن آزاد است، ارائه می‌کنند، دنیایی است که کودکان شبیه‌سازی شده مانند کالاهای مصنوعی دست ساز یا تولید شده در کارخانه‌ها خواهند بود که افراد با مراجعه به کاتالوگی که تصاویر کودکان آینده و شرح مختصری از خصوصیات آنها در آن درج شده، کودک مورد نظر خود را سفارش می‌دهند. جنبه دیگر از ابزار شدن انسان‌های تولید شده از راه شبیه‌سازی که باز برگرفته از تخیلات سینماگران است، آن است که انسان تولید شده به عنوان ذخیره و زاپاسی از انسان اصلی است که هر گاه برای یکی از اعضای بدنی او مانند قلب یا کلیه‌ها مشکلی ایجاد شد، انسان تولید شده را قربانی کرده و اعضای بدنش را به بدن انسان اصلی پیوند می‌زنند. (۳)

همانطور که برخی از محققان مفهوم کرامت انسانی را مبهم و گنگ خوانده‌اند (۸)، به نظر می‌رسد شبیه‌سازی ذاتاً هیچ تلازمی با نقض کرامت ذاتی انسان ندارد. ادعای نقض کرامت انسانی بوسیله شبیه سازی، بیشتر ناشی از سیاه‌نمایی و فیلم‌های تخیلی است. وگرنه اگر از شبیه‌سازی چنین تصویری داشته باشیم که دو زوج نابارور پس از سال‌ها انتظار و ناکامی در بچه‌دار شدن به پزشک مراجعه می‌کنند و پزشک به آنها نوید می‌دهد که بر اساس پیشرفت‌های جدید علمی، امکان بچه‌دار شدن آنها از راهی غیر از آمیزش جنسی و تنها با گرفتن یک سلول از هر یک از والدین، باروری سلول‌ها در خارج رحم و کاشت آن در رحم خود مادر امکان دارد، هیچ کس تصور نقض کرامت انسانی نخواهد کرد.

کرامت ذاتی انسان، شأن هر موجودی که به او انسان اطلاق می‌شود. انسان تولید شده از راه آمیزش جنسی با انسان تولید شده از راه شبیه سازی چون هر دو انسان هستند، دارای این شأن و کرامت ذاتی هستند. چگونگی پیدایش و راه تولید مثل آنها هیچ دخالتی در انسانیت آنها ندارد. به همین خاطر برخی از محققان بحث «کرامت انسانی» را بیشتر یک لفاظی اخلاقی دانسته‌اند تا یک بحث علمی و محتوایی. به اعتقاد ایشان خیلی مشکل است که فهمید چرا کرامت یک فرد را باید وابسته به منشاء پیدایش او کرد تا وابسته به ذات خودش. (۹) انسان شبیه سازی شده، هیچ تفاوتی با دیگر انسان‌ها ندارد و دارای تمامی حقوق و شئون انسانی است. لذا کسی حق برده‌گرفتن، خرید و فروش، استفاده از اعضای بدن او را بدون اجازه‌اش ندارد. این اشکال که ممکن است برخی از انسان‌ها به خاطر هوی و هوس خود، شأن و کرامت انسانی را در مورد انسان‌های تولید شده از راه شبیه‌سازی رعایت نکنند و برده‌داری نوین ایجاد شود، اشکالی است که در هر زمان و مکان نسبت به هر انسانی ممکن است رخ دهد. در گذشته شاهد برده‌داری بودیم که برخی از انسان‌ها خود را مالک و ارباب برخی دیگر از انسان‌ها می‌دانستند و آنها را همچون کالا خرید و فروش می‌کردند و همچون ابزار مورد استفاده قرار می‌دادند؛ همواره افراد سودجویی وجود داشته‌اند که کودکان بی



سرپرست را ربوده یا از والدین فقیرشان خریداری می‌کردند و سپس اعضای بدن آنها را به ثروتمندان بیمار می‌فروختند. بنابراین استفاده ابزاری از انسان‌ها اختصاصی به شبیه‌سازی ندارد. همانطور که با پیشرفت جوامع از حیث آگاهی، فرهنگ و تمدن و ارتقاء شعور اخلاقی انسان‌ها و وضع قوانین جهانی در مورد کرامت انسانی، جلوی برده‌داری و دیگر اعمال غیر انسانی گرفته شد، امروز نیز با وضع قوانین مناسب می‌توان از سوء استفاده‌های احتمالی از شبیه‌سازی جلوگیری کرد و از این فناوری، به طور محدود و تنها برای اهداف انسانی مانند کمک به زوجین نابارور استفاده کرد و هر گونه شبیه‌سازی که در آن انسانیت افراد تولید شده، کالا و ابزار قرار می‌گیرد ممنوع کرد.

## ۲. پایین آمدن ارزش و شأن انسانی

اشکال دیگری که مخالفان، به شبیه‌سازی انسان وارد می‌کنند، پایین آمدن شأن و ارزش انسانی است. بر اساس این اشکال که در راستای اشکال قبلی است، انسان تولید شده از طریق شبیه‌سازی نمی‌تواند از شأن و ارزش انسانی برابری با دیگر انسانها برخوردار باشد. چون این انسان‌ها نتیجه یک فرآیند آزمایشگاهی و کارگاهی هستند. اما دیگر انسان‌ها نتیجه عمل والدین خود برای تحقق یک آرزو هستند. هر یک از والدین نقش فعالی در تولد فرزند خود، تربیت، احترام و ارتقاء شأن او تا حدّ یک شخص کامل دارند. (۹)

پاسخ این اشکال نیز از پاسخ قبلی روشن است. انسان از هر راهی که متولد شده باشد، چون انسان است، ارزش و شأن یکسانی با دیگر انسان‌ها دارد. همانطور که اخلاق به ما اجازه نمی‌دهد برای برخی از انسان‌ها به خاطر رنگ پوستشان، ارزش و احترام بیشتر یا کمتری قائل باشیم، همچنین اجازه نمی‌دهد به خاطر نحوه تولد انسان‌ها در شأن انسانی‌شان، تفاوت قائل گردیم. البته با مشروط کردن جواز شبیه‌سازی به برخی موارد مانند وجود والدین، می‌توان این مشکل را نیز برطرف کرد. والدین می‌توانند نسبت به فرزند متولد شده خود از طریق شبیه‌سازی، همان مراقبت، تربیت، عشق‌ورزی، احترام و ارزش را قائل باشند. اینکه منشاء ایجاد نوزاد لقاح از طریق عمل جنسی بوده یا از طریق لقاح مصنوعی تفاوتی در شأن انسانی فرد ندارد.

## ۳. نقض اصل استقلال فردی

شاید مهم‌ترین دلیلی که مخالفان در ردّ شبیه‌سازی انسانی اقامه می‌کنند تمسک به اصل استقلال فردی (autonomy) است. بر اساس این اصل، هر موجود انسانی، از استقلال و احترام فردی برخوردار بوده و بر تمام شئون زندگی خود حاکم است و دیگر انسان‌ها حق ندارند این استقلال و آزادی را از او سلب کنند و به زور و بدون رضایت، او را بر انجام کاری مجبور سازند. مطابق این اصل، در تحقیق بر روی سوژه‌های انسانی، حقوق اشخاصی که قادر به تصمیم‌گیری هستند، باید رعایت شود و اطلاعات لازم در مورد نوع بیماری، درمان، تحقیقات و آزمایشات به او داده شود. همچنین حقوق افرادی مانند دیوانگان و کودکان که قادر به تصمیم‌گیری نیستند باید رعایت گردد. (۶)

اصل احترام به استقلال فردی را معمولاً از اصل غایات کانت نتیجه می‌گیرند. «اصل غایات» یا «اصل انسانیت» کانت می‌گوید: «همیشه چنان رفتار کن که انسانیت را چه در خودت و چه در دیگری، همیشه به عنوان غایت در نظر بگیری، و نه هرگز چون وسیله‌ای صرف». (۱۰) کانت هرگونه استفاده ابزاری از انسان را منع می‌کند و از ما می‌خواهد همیشه در رفتارهایمان با خود یا انسان‌های دیگر، انسانیت را هدف و غایت



قرار دهیم نه وسیله صرف. از اصل استقلال فردی، اصل دیگری نتیجه می‌شود که اصل منع قیومیت مآبی نسبت به انسان دیگر مخصوصاً افراد بالغ است. بر اساس این اصل، هیچ‌کس از نظر اخلاقی حق ندارد بر سرنوشت دیگر افراد حاکم گشته و برای آنها تصمیم‌گیری کند. (۶)

اصل استقلال فردی، در واقع، از اصل کرامت و ارزش ذاتی انسان مشتق می‌شود. انسان چون موجودی است که ذاتاً دارای ارزش و کرامت بوده و آزاد افریده شده است، بنابراین در ارتباط با او باید اراده، خواست، آزادی و حاکمیتش بر جان و مال و سرنوشت خویش به رسمیت شناخته شود. هیچکس حق ندارد به زور، اراده آزادی او را سلب کند و بر سرنوشتش حاکم گردد.

سلب استقلال فردی و آزادی انسان‌های شبیه‌سازی شده از چند جهت می‌تواند صورت بگیرد که هر یک از این جهات می‌تواند از سوی مخالفان به عنوان دلیل مستقلى علیه شبیه‌سازی انسانی احتساب گردد.

### ۳-۱. سلب استقلال فردی به خاطر انتظارات والدین

از نظر مدافعان حقوق بشر، شبیه‌سازی انسان منجر به سلب استقلال و آزادی افراد تولید شده می‌گردد. سلب آزادی انسان کلون شده ممکن است از چند جهت صورت گیرد: اول، نقض استقلال افراد به واسطه انکار آینده‌ای باز، به دلیل اطلاع وی از خصوصیات منبع کلون. یعنی چون انسان شبیه‌سازی شده همه چیز را در مورد خود می‌داند (یا معتقد است که می‌داند) اطلاع از خصوصیات فرد اهدا کننده DNA باعث دیکته شدن تمام انتظارات، پیش‌گویی‌ها، امیدها، ترس‌ها، اهداف، مقایسه‌ها، استانداردهای موفقیت و شکست خواهد شد. برخی از مخالفان معتقدند: «انسان شبیه‌سازی شده، سرنوشت خود را با فرضیات بسیاری در خصوص ویژگیهای منبع شبیه‌سازی می‌سازد و به موجب تحمیل آنها بر تمام ابعاد زندگی‌اش، استقلال خود را از دست خواهد داد». (۵) عامل دیگر سلب آزادی ممکن است انتظارات والدین مبتنی بر انتخاب ژنوم باشد به این معنا که چون آنها از منبع کلون خبر دارند انتظار داشته باشند که کودک آنها زندگی منبع ژن خود تقلید کند. بدین ترتیب آنها با راهنمایی کودک برای برآورده ساختن انتظارات، او را از توانایی برای انتخاب مسیر زندگی خویش محروم کنند.

با توجه به مطالبی که در ابتدای مقاله ذکر شد، به نظر می‌رسد ریشه اصلی این اشکال، پندار نادرست از شبیه‌سازی به عین‌سازی است. اگر خود فرد شبیه‌سازی شده و والدین او متوجه باشند که فرد شبیه‌سازی شده، کپی و نسخه ثانویه شخص اصلی (دهنده سلول) نیست، هم خود شخص آینده‌ای باز و نامتعیین برای خود تصور خواهد کرد و هم انتظارات بی‌مورد والدین کنترل خواهد شد. علاوه بر اینکه انتظارات نادرست والدین از فرزند خود، مسأله‌ای است که اختصاص به شبیه‌سازی ندارد و در حالت عادی هم برخی از والدین دوست دارند فرزندشان به آینده‌ای که آنها برایش ترسیم کرده‌اند، برسند و آرزوهای آنها را برآورده سازند.

### ۳-۲. سلب استقلال فردی به خاطر سرنوشت از پیش تعیین شده

برخی در رد شبیه‌سازی به این دلیل تمسک می‌جویند که دانستن این نکته که دو قلوی پیشین یک فرد، مسیر زندگی وی را رقم خواهد زد، و او به سرنوشت دو قلوی پیشین خود دچار خواهد شد، اثرات سوء روحی و روانی به دنبال خواهد داشت. در واقع دو قلوی پسین ممکن است این گونه تصور کند که سرنوشت او در گذشته رقم خورده است. هر چند این احساس، نادرست است و فاقد اعتبار علمی است ولی اثر خود را



خواهد گذاشت. (۱۱) یورگن هابرماس از جمله این مخالفان است که می‌گوید: «بی‌تردید این که ما ساختار ژنتیکی را چگونه تلقی کنیم، نتیجه فرایند طبیعی و حادث، یا بخشی از یک طرح «پنهانی»، یا در دیدگاه مذهبی، به مثابه عطیه الهی، تفاوت زیادی ایجاد می‌کند. این‌گونه تفاسیر، آگاهی شخص را در مورد میزان اختیارش از حیث کارهای روزمره‌اش شکل می‌دهد. اما هنگامی که شخص می‌تواند طرح ژن‌هایش را نه با تصادفی طبیعی، نه با مشیت الهی بلکه توسط شخص دیگری مثل خود سازمان‌دهی شده است، چه‌گونه ممکن است بر آگاهی او تأثیر نگذارد؟» (به نقل از ۱۳)

این اشکال در واقع نتیجه دو پندار نادرست، یکی اعتقاد به جبر ژنتیکی و دیگری تحویل شبیه‌سازی به عین‌سازی است. اگر متوجه باشیم که اعمال، رفتار و تصمیم‌های شخص تنها تابع ساختار ژنتیکی او نیست و عوامل محیطی نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت و تصمیمات فردی دارد، چون شرایط و زمانه فرد شبیه‌سازی شده متفاوت از فرد دهنده سلول است، در نتیجه آینده او در دستان خود خواهد بود نه اینکه سرنوشت محتوم پیشینی داشته باشد.

## ۲-۳. تعارض شبیه‌سازی با اصل اختیار

دلیل دیگر مخالفان در رد شبیه‌سازی انسانی، تعارض آن با اصل اختیار و آزادی انسان است. هابرماس در این‌باره می‌گوید: «فردی که اقدام به تکثیر مصنوعی شخص دیگر می‌کند، از قبل برنامه‌ریزی کرده و تمام صفات و خصوصیات فرد دلخواه خود را طراحی می‌کند». به اعتقاد این مخالفان، شرط ضروری عمل آزاد و پذیرش نتیجه عمل فرد توسط خود او این است که دیگری او را مسلوب‌الاختیار نکرده باشد. (۱۳)

این اشکال تنها وقتی وارد است که دیدگاه جبر ژنتیکی که معتقد است تمام اعمال انسان محصول ساختمان ژنتیکی اوست، پذیرفته شده باشد. چون تنها در آن صورت است که می‌توان فرد شبیه‌سازی شده را مسلوب‌الاختیار خواند. در واقع، به اعتقاد این مخالفان، چون در شبیه‌سازی، ساختمان ژنتیکی انسان تولید شده توسط شخص دیگری دستکاری شده، فرد تولید شده، مسلوب‌الاختیار گردیده و به خاطر طراحی دیگران، مجبور به انجام کارهایی است که آنها در ژنتیک او پی‌ریزی کرده‌اند.

اما فرضیه جبر ژنتیکی مخالفان بسیاری دارد. چرا که اگر این فرضیه درست باشد، همه انسان‌ها حتی انسان‌های تولید شده از طریق طبیعی، مجبور و مسلوب‌الاختیار خواهند بود که آنچه را ساختار ژنتیکی آنها اقتضاء می‌کند انجام دهند. هر انسان متولد شده، دارای ساختار ژنتیک خاصی است ولی به جز جبرگرایان ژنی، هیچ کس نمی‌گوید که او مجبور به انجام اعمالی است که ژن‌های او اقتضا می‌کند. (۱۴) واقعیت این است که هر انسانی با هر ساختار ژنتیکی، اختیار و آزادی را بالوجدان در درون خود می‌یابد و خود را مجبور به کاری نمی‌بیند. البته نمی‌توان منکر علیت ناقصه ساختمان ژنتیکی، در حدّ اقتضا و تأثیرگذاری بود. ولی این تأثیرگذاری به حدّ علیت تامه و ضرورت نیست. بنابراین شخص شبیه‌سازی شده نیز که ساختمان ژنتیکی مشابه با انسان دیگری را دارد، همانند دهنده سلول و همانند هر انسان دیگر که ساختمان ژنتیکی خاص خود دارد، مجبور به اعمال خاصی نخواهد بود. بلکه تنها زمینه برخی کارها در او وجود خواهد داشت. همانطور که در هر انسانی با هر ژنتیکی، زمینه برخی از کارها وجود دارد. او می‌تواند به سبب تربیت اجتماعی و اخلاقی، اقتضات ژنتیکی خود را کنترل کند. بنابراین هیچ تفاوتی میان شخص تولید شده از راه



شبیه‌سازی با انسان‌های متولد شده از راه طبیعی، از حیث اختیار یا جبر ژنتیکی وجود ندارد و نمی‌توان شبیه‌سازی را سلب اختیار از انسان تولید شده دانست و شخص دیگر را مسئول اعمال او شمرد. علاوه بر این، با تنقیح مناط می‌توان همین اشکال را به تولید مثل از راه آمیزش جنسی نیز وارد دانست. چون فرزندان قسمت اعظمی از ساختار ژنتیکی والدین خود را به ارث می‌برند. در نتیجه، والدین نیز در تولید مثل طبیعی، خواسته یا ناخواسته، به نحوی در سرنوشت فرزند خود دخالت می‌کنند و او را شبیه خود می‌سازند. کسی نمی‌تواند منکر شباهت‌های ظاهری، روحی و اخلاقی فرزندان با والدین خود بشود. پس نتیجه آن می‌شود که حتی والدین هم حق بچه‌دار شدن از راه طبیعی و تولید مثل را هم ندارند. چون با این کار آزادی و اختیار فرزند خود را محدود می‌کنند.

#### ۴. نقض اصل کسب رضایت آگاهانه

یکی دیگر از اصول اخلاقی که مخالفان شبیه‌سازی به آن تمسک می‌جویند اصل «کسب رضایت آگاهانه» است. بر اساس این اصل، هرگونه تصرفی در بدن انسان دیگر مشروط به اطلاع‌رسانی به او و کسب رضایت از وی است. پزشک باید تمام اطلاعات درباره نوع درمان، نوع آزمایش و تحقیق، عمل جراحی و ... را در اختیار بیمار بگذارد. (۵) ضرورت کسب رضایت مبتنی بر اصل استقلال فردی است. مخالفان شبیه‌سازی معتقدند چون در شبیه‌سازی امکان کسب رضایت آگاهانه از فرد شبیه‌سازی شده قبل از انجام این عمل وجود ندارد بنابراین شبیه‌سازی ممنوع است. (۱۳ و ۲) آنها همچنین با طرح سئوالاتی، وجود ابهامات در این اصل را دلیل منع شبیه‌سازی ذکر می‌کنند. این سئوالات از این قبیل است: در شبیه‌سازی از چه کسی باید رضایت گرفت؟ آیا رضایت دهنده سلول کافی است یا رضایت دهنده تخمک نیز لازم است؟ چه کسی می‌تواند به خطرات و خسارات بر روی افراد و نسل‌های شبیه‌سازی شده بعدی رضایت دهد؟ آیا رضایت آگاهانه دهنده کلون برای روا بودن خطرات فیزیکی یا عاطفی وارده بر فرد شبیه‌سازی شده کافی خواهد بود؟ (۵)

در نقد این دلیل باید گفت که اصل «کسب رضایت آگاهانه» در پزشکی، در ارتباط پزشک و بیمار معنا دارد که هرگونه اقدامی از سوی پزشک در مورد بیمار را منوط به کسب رضایت از او می‌کند. بیمار یک موجود بالفعل است که دارای آزادی، استقلال فردی و احترام است و هرگونه اقدامی از سوی دیگران در مورد او منوط به آگاهی و کسب رضایت او است. اما در مسأله شبیه‌سازی، این اصل، کاربرد ندارد. چون هنوز انسانی به طور بالفعل وجود ندارد تا رعایت آزادی، استقلال فردی و احترامش لازم باشد. آنچه بالفعل وجود دارد، انسان دهنده سلول و دهنده تخمک است که البته کسب رضایت از آنها و اطلاع‌رسانی در مورد مصرف سلول و تخمک آنها لازم و ضروری است. پندار غلط مخالفان شبیه‌سازی این است که چون در شبیه‌سازی امکان اجازه گرفتن از انسان تولید شده قبل از تولید وجود ندارد، پس شبیه‌سازی غیر مجاز است؛ شبیه‌سازی نوعی حاکمیت بر سرنوشت انسان تولید شده و دخالت در آینده اوست. ولی باید توجه داشت که عدم امکان اجازه گرفتن در شبیه‌سازی، مسأله را از قبیل مسائل سالبه به انتفاء موضوع خواهد کرد. یعنی وقتی موضوعی وجود نداشته باشد، لزوم کسب اجازه از او هم منتفی خواهد بود. بنابراین، چون جایگاه اصل کسب رضایت آگاهانه، در مورد انسانهای موجود بالفعل و دارای تشخص اخلاقی (personhood) است نه





در مورد انسان‌های بالقوه یا مفقود، که هنوز موجودیتی و تشخیصی پیدا نکرده‌اند، نمی‌توان از این اصل، علیه شبیه‌سازی استفاده کرد.

علاوه بر اینکه شبیه‌سازی از جهت عدم ضرورت کسب اجازه، مانند تولید مثل طبیعی از طریق آمیزش است. در تولید مثل از طریق آمیزش نیز والدین بدون اجازه گرفتن از فرزند خود، او را به دنیا می‌آورند و بسیاری از خصوصیات ژنتیکی خود را برای او به ارث می‌گذارند. پس آیا باید گفت طبق اصل رضایت‌مندی این کار والدین ممنوع است؟ هرگز.

اما احتمال وجود خطر برای فرزند متولد شده از طریق شبیه‌سازی، نمی‌تواند مانع از اقدام والدین به داشتن فرزند از این طریق باشد. همچنین در صورت بروز مشکلات برای فرزند متولد شده از این طریق نمی‌توان آنها را مسئول آن دردها و مشکلات دانست. همانطور که در ازدواج‌های فامیلی یا مبتلا بودن والدین به یک بیماری خاص، احتمال بروز این خطرات و مشکلات برای فرزند وجود دارد، ولی کسی نه آنها را از حق فرزنددار شدن منع می‌کند و نه آنها را مسئول نقص یا بیماری فرزندشان می‌داند.

## ۵. نقض اصل غایت‌مندی انسان

استدلال مهم دیگری که مخالفان شبیه‌سازی به آن تمسک می‌جویند اصل غایت‌مندی انسان است. همانطور که پیش‌تر بیان شد «اصل غایات» کانت به ما توصیه می‌کند به خاطر ارزش ذاتی انسان، در رفتارهایمان با خود و دیگر انسان‌ها همیشه باید چنان رفتار کنیم که انسانیت را هدف قرار دهیم نه چون وسیله‌ای صرف برای اهداف و غایات دیگر. (۱۰) از آنجا که در شبیه‌سازی، انسانیت انسان تولید شده وسیله قرار می‌گیرد و هدف از شبیه‌سازی تولید گروه زیادی از انسانهای همسان ژنتیکی برای استفاده در جنگ یا در زمان صلح برای انجام کارهای سخت و طاقت‌فرسا، تکثیر افراد نابغه و سرشناس علمی، سیاسی و نظامی و ... تولید فرزندان ژنوتیپ دلخواه، جایگزین کردن همسر، فرزند یا بستگان تازه درگذشته است، بنابراین شبیه‌سازی ممنوع است. (۱۳)

به نظر می‌رسد استفاده از اصل غایات کانت برای منع شبیه‌سازی، تمام نیست و این اصل شبیه‌سازی را به طور مطلق منع نمی‌کند. در واقع عدم توجه به معنای غایت بودن انسان از نظر کانت باعث استفاده نادرست از این اصل شده است. چرا که در شبیه‌سازی نیز ممکن است انسانیت هدف و غایت قرار بگیرد. اصل غایات کانت، تنها آن نوع از شبیه‌سازی که در آن، انسانیت افراد وسیله قرار می‌گیرد و مقصود و هدف شبیه‌سازان، تولید انسان‌هایی با توانایی‌های خاص برای به خدمت گرفتن در کارهای خاص است را منع می‌کند، مانند تولید انسان‌های با قدرت بدنی بالا برای استفاده در جنگ‌ها یا تولید نوابغ علمی برای استفاده در آزمایشگاه و پژوهشگاه‌ها با اهداف غیر انسانی و سودجویانه. ولی شبیه‌سازی درمانی و آن نوع از شبیه‌سازی تولیدی که در آن، مقصود، تولید انسان کامل بدون عیوب ژنتیکی و بدون بیماری‌های خاص است را رد نمی‌کند. چون انسانیت افراد تولید شده در این نوع شبیه‌سازی، وسیله قرار نگرفته بلکه هدف و غایت در نظر گرفته شده است. (۱۵)

علاوه بر این که می‌توان ادعا کرد در تولید فرزند از طریق آمیزش جنسی نیز ممکن است انسانیت فرزند وسیله قرار گیرد. چرا که گاه، والدین برای تحقق آمال و آرزوهای خود، مانند عصای دوران پیری،



تداوم نسل، فرار از تنهایی و... دست به تولید مثل می‌زنند. پس می‌توان مدعی شد که انسانیت فرزند تولید شده در این موارد، وسیله برای تحقق آمال دیگران شده است. در نتیجه، طبق اصل غایت‌مندی، تولید مثل از طریق آمیزش جنسی نیز باید ممنوع باشد. غایت یا وسیله قرار دادن دیگر انسان‌ها امری است که مربوط به قصد و غرض فاعل است و شبیه‌سازی ذاتاً ملازم با وسیله قرار دادن انسانیت نیست. هدف اولی و اصلی در شبیه‌سازی فقط، تولید انسان است. اما این انسان تولید شده مانند دیگر انسان‌ها هم می‌تواند وسیله قرار داده شود و هم هدف و غایت. در اینجا است که کانت به ما می‌گوید از انسان موجود به عنوان وسیله استفاده نکنید و به شأن انسانی و استقلال فردی او احترام بگذارید. بنابراین می‌توان انسانی را با شبیه‌سازی تولید کرد و هم او را غایت و هدف قرار داد.

## ۶. نقض اصل تفرد انسانی

دلیل دیگر مخالفان شبیه‌سازی انسان، نقض اصل تفرد یا «منحصر به فرد بودن» انسان است. به اعتقاد ایشان در کلونینگ انسانی، حق انسانهای شبیه‌سازی شده در فرد واحد و منحصر بفرد بودن و داشتن هویتی که تنها متعلق به خودشان است نفی می‌شود. اعلامیه جهانی درباره ژنوم انسانی و حقوق بشر نوامبر ۱۹۹۷ یونسکو اظهار می‌کند که «کرامت انسانی این امر را واجب می‌سازد که افراد به شخصیت‌های ژنتیکی خود تقلیل داده نشوند و به فردیت و تنوع آنها احترام گذاشته شود». شبیه‌سازی انسانی، انسان‌ها را به صورت دو قلوهای همسان می‌سازد. (۹) اما اگر ژن‌ها بطور تصادفی ترکیب شوند، یعنی دستکاری ژن‌ها قبل از تولد اعمال نشود، هم اصل همان «کسب رضایت آگاهانه» نقض نمی‌شود و هم حق «منحصر به فرد بودن شخص» پابرجا می‌ماند. (۱۳)

منشاء این اشکال نیز پندار نادرست از شبیه‌سازی به عین‌سازی است. به نظر ایشان، چون انسان شبیه‌سازی شده از سلول شخص دیگر به وجود آمده، ساختمان ژنتیکی‌اش دقیقاً شبیه او بوده، در نتیجه، کپی شخص دیگر خواهد بود. از این رو، یک انسان منحصر بفرد که ژن‌های او بطور تصادفی ترکیب شده باشد، نخواهد بود. بنابراین در این استدلال دو پیش‌فرض وجود دارد: ۱- شبیه‌سازی یعنی کپی‌سازی از یک انسان که از هر جهت شبیه اصل خود است؛ ۲- تشخیص و تفرد انسانی به ساختمان ژنتیکی او وابسته است. اما هر دوی این پیش‌فرض‌ها اشکال دارد. اولاً، گرچه عنوان بکار رفته برای این فناوری، شبیه‌سازی یا همسان‌سازی است ولی هیچ متخصصی تا بحال مدعی نشده که انسان تولید شده از این طریق دقیقاً کپی انسانی است که سلول از او گرفته شده است. شباهت ژنتیکی آنها صد درصد نخواهد بود. (۱۴) در شبیه‌سازی، تولید افراد یکسان واقعاً غیر ممکن است. تحقیقات نشان داده است که تأثیرات محیطی پس از زایمان، چنان است که حتی اگر تولید انسان‌های کاملاً یکسان در دستور کار قرار گیرد، این امر غیر ممکن است. اعضای یک کلون، هرگز یکسان نخواهند بود. آنها می‌توانند خود را از دیگری متمایز کنند. (۱۶) ثانیاً ملاک تفرد و تشخیص یک فرد، ساختمان ژنتیکی او نیست. ساختمان ژنتیکی می‌تواند یکی از این عوامل باشد. هویت شخصی را نباید به خصوصیات ژنتیکی محدود کرد؛ چرا که عوامل تربیتی، محیطی، فردی، عاطفی، اجتماعی، معنوی و فرهنگی در شکل‌گیری آن نقش دارند و اصل آزادی نیز در آن دخیل است. (۱۴) اگر دو نفر از لحاظ ژنتیکی شبیه و بلکه عین هم باشند، می‌توانند به خاطر عوامل دیگری مانند محیط، جامعه، فرهنگ، تربیت، علم، اخلاق و ...



از هم مختلف باشند. کلونینگ هیتلر و انیشتین به معنای تولید هیتلر و انیشتین دیگر نیست. اگر افراد شبیه‌سازی شده بر تفاوت‌ها و ترجیحات خود مانند سطح علمی و سواد، زبان، سبک زندگی، نوع لباس پوشیدن، مدل مو و ... خود تأکید کنند، می‌توانند شخصیت خود را منحصر بفرد سازند. هم‌چنین، از نظر فلسفی، عامل اصلی تشخیص هر فرد، اصل وجود اوست نه اعراض کمی و کیفی‌اش. یعنی هر موجودی که وجود می‌یابد، همین وجود، عامل تفرد و تشخیص اوست. وجود و وحدت، دو مفهوم مساوق هستند یعنی هر موجودی واحد و فرد است. از نظر فلسفی، دو خودکار که تولید یک کارخانه است و از نظر اوصاف مختلف، عین هم هستند، دو فرد مختلف محسوب می‌شوند چون دو موجود هستند. وقتی به پیرامون خود توجه می‌کنیم انسان‌هایی می‌یابیم که هر کدام از یک یا چند جهت شبیه ما هستند ولی این شباهت‌ها باعث عدم احساس فردیت ما نمی‌شود. لذا شبیه‌سازی به معنی سلب فردیت از انسان تولید شده نیست.

## ۷. غیر طبیعی بودن تولید مثل از طریق شبیه‌سازی

یکی دیگر از دلایل مخالفان شبیه‌سازی، غیر طبیعی دانستن تولید انسان از راه شبیه‌سازی و دخالت کردن در کار خلقت خداوند است. (۱۶ و ۱۷) برخی از کشیشان و روحانیان دینی تولید انسان از این طریق را ناقض قانون طبیعت عنوان کرده‌اند. (۹)

جای این سؤال از مخالفان شبیه‌سازی است که معیار طبیعی بودن و نبودن یک پدیده چیست؟ چرا تولید مثل از طریق آمیزش جنسی را راه طبیعی می‌دانند ولی شبیه‌سازی را غیر طبیعی می‌خوانند؟ آیا به صرف نو و جدید بودن این تکنیک، باید آن را غیر طبیعی بخوانیم؟ آیا شبیه‌سازان در کار خلقت خدا دخالت می‌کنند یا فقط موفق شده‌اند راه دیگری که خداوند در طبیعت برای تولید مثل قرار داده است را کشف کنند؟ واقعیت این است که در شبیه‌سازی کاری غیر طبیعی رخ نمی‌دهد. خداوند از بدو خلقت دو راه طبیعی برای تولید مثل انسان‌ها قرار داده بود: یک از طریق آمیزش و دیگری از طریق شبیه‌سازی. انسان‌های گذشته به علت جهل خود، تنها از یک راه که آمیزش جنسی بود می‌توانستند برای تولید انسانی دیگر استفاده کنند. ولی انسان‌های جدید با پیشرفت علم، پی به راه دوم خداوند نیز برده‌اند و می‌توانند از آن راه تولید مثل کنند. اما در هر دو راه، آن کس که انسان را خلق می‌کند، رشد می‌دهد و حفظ می‌کند، خداوند است نه دانشمندان و دیگر انسان‌ها. برخی از محققان در رد این استدلال چنین گفته‌اند: «آیا بکارگیری ابزار و وسایل برای انجام کارها امری غیر طبیعی است؟ نزدیک به ۲ میلیون سال است که انسان‌ها از ابزار و وسایل برای انجام کارهای خود استفاده می‌کنند. لذا پذیرش این مسأله خیلی دشوار است که استفاده از فناوری شبیه‌سازی را غیر طبیعی بخوانیم. عجیب تر از آن این است که بکارگیری یک ابزار را طبیعی بخوانیم و بکارگیری ابزار دیگر را غیر طبیعی. هم اکنون انسان‌ها از رحم اجاره‌ای برای تولید مثل انسانی استفاده می‌کنند.» (۹)

## ۸. نقض حق تصادفی بودن ترکیب ژنی

برخی در مخالفت شبیه‌سازی گفته‌اند: «همه انسان‌ها این حق را دارند که ژن‌های آنها ترکیب تصادفی داشته و کسی در این کار دخالت نداشته باشد.» (۱۳)



اولاً پاسخ داده شده به استدلال نقض اصل کسب رضایت آگاهانه می‌تواند در اینجا نیز بیان گردد. چون حق متعلق به صاحب حق است، بنابراین صاحب حق باید بالفعل موجود باشد تا بتوان حقی برایش قائل شد. از آنجا که قبل از تولد هنوز انسانی بالفعل موجود نیست، فرض حق تصادفی بودن ترکیب ژنی برای انسان‌ها بی‌مورد است. اما اشکال اصلی در اثبات چنین حقی برای انسان‌ها است. جای این سؤال است که حق ترکیب تصادفی ژن‌ها چگونه حقی است و مخالفان از کجا و چگونه آن را برای انسان ثابت می‌کنند؟ آنچه ما معتقد به آن هستیم حق استقلال فردی و مالکیت بر بدن است که اصل کسب رضایت آگاهانه از آن ناشی می‌شود. اما چیزی به نام حق تصادفی ترکیب ژنی نمی‌توان قائل شد. در واقع، قائل شدن حق تصادفی ژنی برای انسان‌ها چیزی غیر از اصل مدعا که انسان حق شبیه‌سازی و تولید انسان دیگر از این طریق را ندارد، نیست و این استدلال چیزی غیر از مصادره به مطلوب نیست.

اشکال دیگر به این دلیل آن است که آیا عقلانی است که انسان آینده خود را به دست تصادف سپارد؟ آیا نوزادان نارس و عقب‌مانده، نتیجه همین تصادفی که مخالفان علاقمند به آن هستند و آن را حق هر انسانی می‌شمارند نیست؟ آیا دانشمندان وظیفه ندارند، این تصادفات مضر به سعادت انسان‌ها را کنترل کنند؟

## ۹. خطر اقدام به اصلاح نژادی از طریق شبیه‌سازی

یکی دیگر از نگرانی‌های مخالفان شبیه‌سازی بکارگیری این فناوری برای اصلاح نژادی است. اصلاح نژاد از طریق شبیه‌سازی به دو طریق مثبت و منفی ممکن است رخ دهد. اصلاح نژادی منفی در راستای بهبود وضعیت سلامت جسمانی، اقدام به حذف عناصر ژنتیکی منفی و مخرب می‌کند. اما غرض از اصلاح نژادی مثبت، ایجاد تغییرات دلخواه ژنی برای ایجاد موجودی با ویژگی‌های خاص است. (۵ و ۱۸)

مسئله اصلاح نژادی خود شبیه‌سازی، موضوع مناقشه‌آمیزی است که موافقان و مخالفانی دارد. این استدلال مبتنی بر این پیش‌فرض است که اصلاح نژادی کاری نادرست و ممنوع است. اما کسی که موافق اصلاح نژادی است، بکارگیری شبیه‌سازی برای این مقصود را نیز جایز خواهد دانست. به نظر می‌رسد از نظر عقلی، اصلاح نژادی منفی امری جایز و پسندیده است. وظیفه علم پزشکی تنها این نیست که بیماری‌ها و نارسایی‌های محقق شده را درمان کند بلکه وظیفه مهم‌ترش، جلوگیری از این بیماری‌ها و اختلالات است. بنابراین، در شبیه‌سازی برای اصلاح نژادی منفی چون هدف، تولید انسان‌های سالم و فاقد اختلالات ژنی است، این نوع شبیه‌سازی، خدمت به انسان‌ها و بشریت و غایت قرار دان آنها است. اما اصلاح نژادی مثبت نیاز به بحث مستقل و مستوفایی دارد. در نتیجه، این استدلال تنها می‌تواند شبیه‌سازی برای اصلاح نژادی مثبت را منع کند نه مطلق شبیه‌سازی.

## ۱۰. تهدید احتمالی بنیان خانواده، نسب و روابط فAMILI

یکی دیگر از نگرانی‌های مخالفان شبیه‌سازی از بین رفتن بنیان خانواده و روابط فAMILI است. (۲) چرا که در این فناوری برای تولید کودک نیازی به والدین نیست و سلول هسته را می‌توان از هر کسی گرفت و در سلول تخمک هر زنی قرار داد و در رحم هر زن دیگری کاشت. یکی از موارد مشکل تشخیص روابط خانوادگی آنجاست که سلول شخص ثالث غیر مرتبط را در تخمک زنی غیر از همسر قرار داده و سلول بارور شده را در رحم همسر نابارور قرار داد. فرزند متولد شده در این حالت متعلق به کیست؟ متعلق به دهنده



سلول یا صاحب تخمک یا حامل رویان؟ (۵ و ۱۹) اگر رابطه دهنده سلول و تخمک در نظر گرفته شود چهار حالت پیش می‌آید: (۱) دهنده سلول، شوهر دهنده تخمک است؛ (۲) دهنده سلول، مرد بیگانه است؛ (۳) دهنده سلول، خود دهنده تخمک است؛ (۴) دهنده سلول، زن بیگانه است. در هر یک از این فرض‌ها نیز ممکن است مادر جانشین، خود دهنده تخمک باشد یا زن دیگری، که مجموعاً هشت صورت خواهد داشت. به اعتقاد مخالفان، در هر یک از حالت‌ها، فرد شبیه‌سازی شده هیچ نسبتی با دهنده تخمک یا مادر جانشین ندارد و تنها از نظر ژنتیکی جفت دو قلوبی دهنده سلول است. به دیگر سخن، در همه این موارد فرد تولید شده به شوهر یا همان دهنده سلول ملحق نمی‌شود و نمی‌توان از قاعده «فراش» استفاده کرد. زیرا در فرض نخست، کودک، جفت دو قلوبی شوهر زن دهنده تخمک است و در فرض دوم، جفت دو قلوبی مرد بیگانه است و در فرض‌های دیگر هم به همین شکل. بنابراین در همه فرض‌ها کودک تولید شده خواهر یا برادر فرد شبیه‌سازی خواهد شد. (۶)

روشن است که این دلیل، یک دلیل قاطع در رد شبیه‌سازی انسان نیست. در واقع، مخالفان صرفاً به طرح یک سلسله سئوالات و ابهامات در مورد نسب و روابط فامیلی میان انسان شبیه‌سازی شده و دهندگان سلول و تخمک می‌پردازند. به هر حال وظیفه علماء فقه و حقوق این است که برای پدیده‌های جدید، پاسخ و راه‌حل ارائه نمایند. به نظر می‌رسد با تأملات فقهی و حقوقی بتوان برای این مشکل نسب پاسخی یافت. آنچنان که برخی بین جنین شبیه‌سازی شده و مادر، رابطه احکام مادر و فرزندی برقرار می‌کنند و چون شوهر را در ایجاد فرزند دخیل نمی‌دانند، فرزند را به مادر ملحق می‌کنند. (۶) هم چنین ممکن است ادعا کنیم چون تخمک، حامل سلول است، رابطه دهنده سلول با دهنده تخمک، رابطه فاعل و مفعولی است. لذا دهنده سلول نقش شوهر و پدری دارد و دهنده تخمک نقش زن و مادری را. از این‌رو برای اینکه مشکل نسب و خانواده پیش نیاید می‌توان با وضع قوانینی شبیه‌سازی را تنها بین زن و شوهرها مجاز دانست که شوهر دهنده سلول و زن دهنده تخمک و حامل جنین باشد و آن دسته از شبیه‌سازی که دهنده سلول یک زن یا فرزند دیگر والدین است را ممنوع اعلام کرد. هم‌چنین فرض‌های دیگر مثل دادن سلول از سوی یک مرد یا زن مجرد را ممنوع کرد. خلاصه، قوانین ازدواج، عقد دائم و موقت زناشویی را در مورد دهنده سلول و تخمک و حامل رعایت کرد.

دلایل مطرح شده از سوی مخالفان شبیه‌سازی منحصر در این چند دلیل نیست ولی تلاش بر این بوده است تا مهم‌ترین آنها را ذکر و مورد نقادی قرار دهد. برخی دلایل دیگر مانند سلب حق هویت، نادیده‌گرفتن حریم خصوصی، سلب حق طبیعی تولید مثل زنان، آسیب‌های جسمی، روحی و روانی انسان شبیه‌سازی شده (۵، ۱۱، ۶)، نیز در شبیه‌سازی وجود دارد که به خاطر ضعف آنها از طرحشان امتناع می‌کنیم.

## نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد شبیه‌سازی انسانی از نظر عقلی، ذاتاً اشکال اخلاقی ندارد. وقتی امری به لحاظ ذاتی، اشکال اخلاقی نداشت، برای تصمیم‌گیری در مورد جواز یا ممنوعیت انجام آن، باید بر اساس معیارهای نتیجه‌گرایانه و بررسی نتایج سودمند و مضر آن تصمیم گرفت. (۱۶) در حال حاضر، این فناوری هزینه‌های بالایی دارد احتمال موفقیت شبیه‌سازی پستانداران کمتر از ده درصد است؛ حتی در صورت موفقیت هم احتمال زنده



ماندن جنین یا حیوان متولد شده بسیار کم و احتمال دچار شدن آن به انواع بیماری‌ها زیاد است. (۲) اما از طرفی احتمال آن وجود دارد که با پیشرفت‌های علمی و تحقیقاتی در این فناوری، معایب آن رفع گردد و موفقیت‌هایی در آن حاصل شود و فوایدی برای افراد و جوامع بشری مانند تولید بافت‌های پیوندی، کمک به زوجین نابارور و ... داشته باشد. علاوه بر این، اغلب نتایج سوء و مضرّی که مخالفان برای این فناوری ذکر کرده‌اند، مربوط به بکارگیری آزاد، گسترده و کنترل نشده آن است. از این‌رو، به نظر می‌رسد بکارگیری محدود و کنترل شده این فناوری توسط دولت‌ها فاقد آن نتایج سوء خواهد بود و در عوض فواید متعددی برای بشریت خواهد داشت. بنابراین، به نظر می‌رسد در حال حاضر، نباید بر اساس دلایل غیر متقن، جلوی تحقیقات آزمایشگاهی در مورد شبیه‌سازی انسانی را گرفت. چه بسا با آزاد گذاشتن تحقیقات علمی در این زمینه، پس از مدتی معایب آن برطرف شده و دانشمندان به یک روش علمی مطمئن و سالم در این زمینه نایل شوند و انسان بتواند از منافع و فواید این فناوری نوین بهره جوید. البته روشن است که در آن زمان نیز باید با وضع قوانین لازم و مناسب، جلوی سوء استفاده از آن را گرفت. همانطور که در تولید مثل از راه آمیزش، باید محدودیت‌هایی قائل شد تا بشریت به خاطر ازدیاد جمعیت و کمبود امکانات دچار مشکل نشود، در تولید مثل از طریق شبیه‌سازی نیز باید محدودیت‌هایی ایجاد گردد تا آثار سوئی برای جامعه ایجاد نکند.





منابع

۱. محمدی، علی، کژفهمی‌های شبیه‌سازی، مجله ذهن، صص ۲، ۸، ۱۳، ۱۵.
2. Logston, Amy, *The Ethics of Human Cloning*, 1999, available at: <http://facweb.stvincent.edu/academics/religiousstu/writings/logston1.html>
۳. کاکو، میچو، ۱۳۸۱، چشم‌اندازها، انقلاب‌های علم در قرن ۲۱، ترجمه یوسف اردبیلی، تهران، انتشارات ققنوس.
4. Anonymous, *Human Cloning, Ethical Issues*, 2005, published in by UNESCO, available at: <http://www.unesco.org/bioethics>.
۵. رنجبریان ا. و سیف ز. چالش‌های حقوق بشری شبیه‌سازی انسان. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۲۹-۱۵۴.
۶. اسماعیل آبادی ع. و همکاران. تأملات اخلاقی-حقوقی در شبیه‌سازی. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۳۸۷، صص ۳۸-۴۵.
7. Ricken M. (1997) *Moral aspects of Human Cloning*. Available at:
8. See Wynn, Rebecca, *Hello Dolly, Hello Dolly: Human Cloning, Ethics and Identity*. Available at: <http://www.prochoiceforum.org.uk/ri4.php>.
9. Spier R. (1999) *An approach to the Ethics of cloning humans via an Examination of Ethical issues pertaining to the use of any tool*. *Science and Engineering Ethics*, 5: 17-32.
10. Kant I. (1964) *Groundwork of Metaphysic of Morals*, Translated and analyzed by H. J. Paton, Harper and Row Publish., p. 67
۱۱. محمدی ع. مساله هویت روانی در شبیه‌سازی. مجله تاریخ و اخلاق پزشکی، سال اول، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۷، صص ۶۵-۷۲.
۱۲. هابرماس ی. جهانی شدن و آینده دموکراسی. چاپ اول. ترجمه پولادی ک. تهران: انتشارات مرکز؛ ۱۳۸۲. ص ۲۴.
۱۳. نیکوئی نژاد ل. اختیار در فرایند فناوری همسان‌سازی انسانی، مجله تاریخ و اخلاق پزشکی، ۱۳۹۰؛ دوره چهارم (شماره ۵): ۳۱-۳۸.
۱۴. محمدی ع. شبیه‌سازی انسان: ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی. دفتر نشر معارف، چاپ اول ۱۳۸۷، صص ۲۶۷-۲۶۹، ۲۸۹، ۲۷۳.
۱۵. اترک ح. شبیه‌سازی انسان و اصل غایات کانت. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ۱۳۹۰، سال چهارم (شماره ۶): ۳۹-۴۹.
16. Rollin B. (1999) *Keeping up with the clones-issues in human cloning*. *The Journal of Ethics*. 3: 51-71.



۱۷. خانی جزنی ج، نیکویی نژاد ل، علیجانی م. نقد نوشته جرمی ریفکین با عنوان: چرا با شبیه سازی انسانی مخالفم؟ مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، آذر ۱۳۸۹، سال سوم، (شماره ۵): ۵۳-۵۸.

18. "National Bioethics Advisory Commission, Legal and policy Consideration", at:

<http://www.bioethics.georgetown.edu>

19. Gurmham, David. "The Mysteries of Human Dignity and the Brave New World of Human Cloning", *Social and legal Studies*, vol.14, 2005. Available at:

<http://www.sagepub.com>.

